

در صفحه ۱۲ بخوانید...

- **مرد مسئولیت تاریخی خود را فراموش کرده اند** | ناهیدپور استین
- **به مردم احترام بگذارید** | صدای لاجورد کاغذی
- **کاش شکل خودم بودم** | ایره نو کلی
- ...

تئاتر امروز، عشق من نیست

حال او حال خوب نیست، دل و دماغ ندارم. حال شما خوب است؟ اگر قرار باشد حال و امروز خودم را توضیح دهم باید بگویم خوب نیست، از زندگی لذت نمی‌برم، در زندگی هر کدام از ما در این بین معنایی دارد. اما من آگیر تاجان پور، با تئاتر و سینما برگ شدم. کار من زندگی من است اما امروز هوای زندگی ام خوب نیست. می‌دانید چرا؟ چون تمام خاطراتی که در خدمت نقش هستم، مربوط به همین کار است...



تا حقیقت تجدد چقدر فاصله داریم؟

شهر وندی در چهار راه مفاهیم مدرن

همراه با آثاری از:

بیژن عبدالکریمی، مصطفی مهر آیین، امیر حسین جلالی، محمد بنایی ماگان



در صفحه ۱۱ بخوانید...

علامت سوال
درباره مشکلات امروزی زنان در اجتماع از نماینده سابق مجلس پرسیدیم

**چرا فقط صورت
مسأله‌ها را پاک می‌کنیم**

تاکسی‌نوشت

**چهل سال هم از
عشقمون بگذره، محاله
احساساتمون یادم بره**

هر یکشنبه با منوچهر آشتیانی

**چرا جامعه‌شناسان
ایرانی مهجورند؟**

برانتز

در نمی‌زند



فرا تر از تجدد: زندگی در وضع «نقد و سرپیچی دایمی»



مصطفی مهر آیین
جامعه‌شناس

۱) بنا به رویکرد ساختارگرا در تحلیل فرهنگ، «رابطه» است. این که ما چگونه و مستثنی بر چه الگوها، اصول و قواعدی باید با خود، جامعه، دیگران و طبیعت رابطه برقرار کنیم مهم‌ترین نکته‌ای است که در فرهنگ و نظام‌های فرهنگی از آن سخن گفته می‌شود. از نگاه رویکرد انسان‌شناسی مشکل «رابطه» است.

انسان‌ها از یکدیگر جدا افتاده‌اند، اما آنها به منظور تصمیم‌سازی در خصوص ارزش‌های جمعی باید به برقراری ارتباط با یکدیگر بپردازند. از نگاه این منتقدان، ارتباط ما با جهان، خود و دیگران، همواره در چارچوب طبقه‌بندی‌های ما و حد و مرزهای نمادین می‌شود که چارچوب‌های اندیشه و تفکر ما را معین می‌سازند و به شیوه خاص خود موانع از اشکال دیگر رابطه ما با جهان می‌شوند. به زبان دیگر، ما و کوما چیزی جز محصول چارچوب‌های طبقه‌بندی فرهنگی نیستیم که خود را در اختیار و ماندها یا به‌طور کلی «زبان» بر ما آشکار می‌سازند. در هویت‌های تاریخی فرد فوکو در خصوص موضوعات متوجهی همچون جنون و بزهکاری، پزشکی، علوم اجتماعی و جنسیت از معنا تا کی‌تازدایی می‌سازد و طبقه‌بندی‌های فرهنگی و تجلی و نامشایب آنها در زبان و شعائر در کلان این پژوهش‌ها جاسی می‌گردند. در آسار فوکو هیچ توجهی به مسأله فرد یا معنای ذهنی صورت نمی‌گیرد. او بیش از آن که در پی بافتن معنی نمادها برای فرد باشد، درگیر مسأله چگونگی ساخته شدن فرد و تجلی آن در زبان و شعائر است. چگونه فرد بزرگوار فرد دیوانه فرد زندانی، فرد دارای اختلال جنسی ساخته می‌شود؟ چگونه فردی که در معنای ذهنی صورت اصلی فوکو معشوق به آن است که چگونه در عصر مدرن این افراد به‌عنوان یک «هویت» یک‌تازد ساخته می‌شوند و او ویژگی‌ها و صفات خاص خود را به‌عنوان یک «هویت» یک‌تازد می‌سازد و در برخی مفاهیم و روش‌های دیگر محروم هستند.

شیوه ارتباط و پیوند آن جامعه با خود و جهان را ممکن می‌سازد. در نظریه سونو، «حتم اخلاقی» جامعه «هرکب از تعاریفی است در این باره که روابط اجتماعی چگونه باید شکل بگیرند» به اعتقاد سونو، نظم اخلاقی هر جامعه البته خود شامل سه بخش است: ۱) نظامی ساختارمند از زمان‌ها فرهنگی، ۲) مجموعه‌ای از شعائر و آیدئولوژی‌ها که به نمایشی کردن نظم اخلاقی جامعه می‌پردازند و ۳) بنیان نهادی که منابع لازم برای تولید و حفظ زمان فرهنگی و شعائر آیدئولوژی‌های یاد شده را فراهم می‌آورد. سونو در توضیح «مرزگان اخلاقی» می‌نویسد: «یک مرزگان اخلاقی مجموعه‌ای از عناصر فرهنگی است که ماهیت تعهد به شیوه خاصی از رفتار را تعریف می‌کنند» به اعتقاد سونو، این عناصر فرهنگی از یک نظر و ساختار نمادین مشخص برخوردارند، اما در اینجا، نظم به پیروی از مری، ناگلاش، در پیوند با «هرزه» تعریف می‌شود. بنابراین، وجود ساختار به معنای آن نیست که یک سیستم بسته نظام یافته با دارای نظم منطقی کامل وجود دارد.

وجود ساختار به معنای آن است که می‌توان به شناسایی برخی تمایزات نمادین در درون مرزگان اخلاقی پرداخت. به اعتقاد سونو، در درون یک نظام اخلاقی سه نمونه از تمایزات

نمادین وجود دارد: ۱) تمایز حوزه‌های اخلاقی از برنامه‌های واقعی، ۲) تمایز خود از کشتگر و ۳) تمایز اجتناب‌ناپذیری از نیتند. ساختار نظم اخلاقی میان (الف) ابژه‌های تعهد (از قبیل خدایان، معبود، جهان، کودکان، خود، یک شخص، یک مجموعه از بره‌ها و ارزش‌ها، یک متن و...) و (ب) فعالیت‌ها یا «برنامه‌های واقعی» که مردم باید آنها را انجام دهند، تمایز قابل می‌شود. به اعتقاد سونو، ابژه‌های تعهد به آنها هستند را می‌توان گفتارهایی همچون «طاعت کردن از خدایان»، «تلاش برای انجام خواسته‌های خدایان»، «بهرت ساختن جهان»، «ساختن یک زندگی بهتر برای کودکتان» و «چه خودم نیز نشانه‌دهنده کارهای واقعی هستند که مردم آنها را به منظور عملی ساختن تعهدات خود انجام می‌دهند. خواندن کتاب مقدس، حضور در کلیسا، وقت گذاشتن برای انجام فعالیت‌های اجتماعی، مراقبه (مدیتیشن) و محبت کردن از احساسات فردی از جمله برنامه‌های واقعی هستند که مردم آنها را به منظور عملی ساختن انتظارات نظم اخلاقی انجام می‌دهند. مردم می‌دانند که اگر نخواهند «زندگی بهتری برای خودشان بسازند»، باید «سخت کار کنند» به اعتقاد سونو، در

یادداشت

ما و کاستی‌های عمده فرهنگی



محمد بنایی ماگان
مترجم و پژوهشگر

گرفت که همان‌تایمان آمدن مدرنیسم، بنیادین‌پنداران شرق اگر بخواهد راه رفتن یک مدرنیسم را یاد دهد، بسیار محتمل است که راه رفتن خودش را هم فراموش کند. چنان‌که در طول یک قرن اخیر بسیاری از کسانی که از طریق مدرنیسم را در کشور پذیرفته و نام آن را تمدن نهادند دچار دوگانگی شخصیت شدند که رنگی رنگی به بیگانه و نه روسمی روم، هیأت و رفتارشان را بیگانه عبرت ایرانی است و نه کلیتاً بیگانه است. به عبارت دیگر ذهنیت و شخصیتی با دره‌ها دارند که نه نهایت‌مبینی می‌هویت است.

کرمان‌شاه، بوشهری است. در سال‌هاحت، مسطر، چنین تفکری بوده است و شوربختانه سبب شدنند تا اگر گویی‌های نامعجزی هستند

شرق اگر بخواهد راه رفتن
کمی‌تدریس‌سیرا یاد بگیرد
آن‌امیزان اصلی در زندگی
خودداران دهد، بسیار محتمل
است که راه رفتن خودش را
فراموش کند چنان‌که در
طول یک قرن اخیر بسیاری از
کسانی که الگو مدرنیسم را
به نام مدرنیسم مشکل
جامعه ایرانی قابل حل
است. مدرنیسم براساس
معیاری شکل گرفت
که بسیاری از آنها باحوال
و نظام شرقی سازگار نبود
و به خاطر همین مسئله
هم تطبیق ندارد بر
گرفت اصطلاح مدرنیسم
که در گذشته هم دیدند
ندارستی است زیرا تجدد
بواقع مدرنیسم نیست زیرا شرق خلق و خودی
خاص خود را دارد که توسعه فرهنگش را
باید با شرایط روحی خویش دنبال کند. شرق
نی‌تواند مدرنیسم غرب را تعدد بخواند و آن
را عیناً مترسوق خود قرار دهد. نمی‌تواند عقول
را مانند غرب، محور زندگی بداند و عقول
را که در نمایه فرهنگ خود بوده به فراموشی
سپارد و رویی در طریقی بگذارد که غرب بانوجه
به وجودهای فیلسوفی مانند کارکات بیش

بسیاری از موارد، این دو مجموعه از نمادها در پیوند نزدیک با یکدیگر قرار دارند. به‌عنوان مثال، ما وقتی از «انجام خواسته‌های خدایان» سخن می‌گوییم که در کلیسا و فعالیت‌های آن حضور یافتیم، اگر از مردم پرسید که چرا ساخت کار می‌کنند یا چرا به مراسم است پاسخ دهند که آنها می‌خواهند جهان بهتری بسازند یا خود حقیقی‌شان را کشف کنند یا این حال، این دو مجموعه از نمادها کاملاً با یکدیگر مغفول هستند. با مشاهده خود نمادها می‌توان به خوبی به این نکته پی برد. کلیسا خواندن نیست، شغل یک فرد جهان نیست و مراقبه همان خود نیست آنها در ارتباط با یکدیگرند، اما در عین حال از یکدیگر متمایزند.

ساختار مرزگان اخلاقی، همچنین، میان (الف) «خود واقعی» یا «خود حقیقی» فرد و (ب) «نقش‌های متفاوتی که او (مرد یا زن) ایفا می‌کند، تمایز قابل می‌شود. به اعتقاد سونو، از روح و ذات شخصی که دو جنبه یا مولفه از وجود خود قابل می‌شوند، یک جنبه از خود عبارت است از روح و ذات شخصی که تاب و خاص، پاک و بخشنده و شسته و فلان‌ناپذیر در نهایت پذیرفتنی است. در حقیقت در ارتباط با اندیشه «حیات اخروی» است وجه دیگر خود عبارت است از وجه جسمانی، تقابلی و مبرای آن که در معرض توسعه و بناایی قرار دارد. به اعتقاد سونو، یک ثاب و طبقه متوسط هتاکمی که می‌گوید همین نمادها تا زمان کار را انجام می‌دهیم، در واقع میان آن دو وجه از خود تمایز قابل می‌شود. یک «خود واقعی» وجود دارد که خوب است، ارزشمند است، فسانه‌ناپذیر است و «خود واقعی» مغفول با «کشتگری» است. کارش از انجام می‌دهد، کاری که غالباً در داور است، پایین‌تر از سطح شرافت اوست و حتی شرافت و صداقت وی را نگهدار می‌سازد. مرزگان اخلاقی، همچنین، میان (الف) نوهایی که خارج از کنترل فرد قرار دارند (ب) نوهایی که در قیوم فرد آمده وی جای دارند نیز تمایز قابل می‌شود. به عبارت دیگر، درون یک مرزگان اخلاقی، امور «اجتناب‌ناپذیر» از امور فرهنگی، تمایز می‌شوند. در واقع، مرزگان فرهنگی، از این طریق عین می‌آورد که مورد اثر اخلاقی قرار می‌گیرند (رفتارهای خوب) می‌توان آنها را از طریق قدرت اراده و نیت کنترل کرد (اموری که خارج از کنترل فرد است) و مورد قرار دارند و مرزگان اخلاقی قرار نمی‌گیرند یا حداقل این‌ها از زبانی اخلاقی آنها سبک‌تازد می‌شود، تمایز قابل می‌شوند.

ادامه در صفحه ۱۰

۲) ورسرت سونو، جامعه‌شناس فرهنگ برجسته امریکایی، با تأثیر گذاری از همین رویکرد، معتقد است مفهوم «حتم فرهنگی» یا «حتم اخلاقی» را باید کشف کرد. این مفهوم در تحلیل جامعه‌شناختی فرهنگ ثابت است و باور دارد فهم تعظیم اخلاقی یک جامعه فهم